

جنگی شبیه به فالكلند

جنگ تجاری دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا، بیش از هر چیز به جنگ فالكلند که توسط مارگارت تاچر، نخست‌وزیر بریتانیا در سال ۱۹۸۲ به راه انداخته شد، شباهت دارد: یک طرف با نیروی عظیم حمله می‌کند و طرف دیگر با سرافکندگی عقب‌نشینی می‌نماید.

از ۵۷ کشور و منطقه‌ای که در فهرست «روز آزادی‌بخش» ترامپ به عنوان اهداف تعرفه‌های «متقابل» قرار گرفته‌اند، تنها سه کشور - برزیل، کانادا و چین - به شکلی معتبر، ایالات متحده را به اقدام تلافی‌جویانه تهدید می‌کنند. جزایر هرد و مک‌دونالد که تنها ساکنان شان پنگوئن‌ها هستند، به شکلی قابل درک منفعل بوده‌اند. اما اینکه بسیاری دیگر، با توجه به انتظار برای مقابله‌به‌مثل، در برابر تهاجم آمریکا تسلیم شده‌اند، چیزی کم از شگفت‌انگیز نیست.

توافق کمیسیون اروپا با آمریکا از این نظر به‌ویژه حیرت‌انگیز است. کمیسیون، تعرفه پایه ۱۵ درصدی ترامپ را پذیرفته و تنها قطعات هواپیما، مواد معدنی حیاتی و چند مورد دیگر از آن معاف شده‌اند. عوارض گمرکی آمریکا بر فولاد، مس و آلومینیوم همچنان ۵۰ درصد باقی مانده است. اورزولا فون در لاین، رئیس کمیسیون اروپا، متعهد شده است که اروپا مقادیر بیشتری انرژی از آمریکا خریداری کرده و ۶۰۰ میلیارد دلار در این کشور سرمایه‌گذاری کند، هر چند اینکه چنین تعهداتی اساساً در حوزه اختیارات کمیسیون باشد، خود جای سوال دارد. دولت ترامپ همچنین ادعا می‌کند که اروپا کالاهای کشاورزی بیشتری وارد خواهد کرد و محدودیت‌های خود بر تجارت دیجیتال را کاهش خواهد داد. در مقابل، اتحادیه اروپا عملاً هیچ امتیازی دریافت نمی‌کند، جز وعده آمریکا مبنی بر عدم اعمال تعرفه‌های بالاتر. این نتیجه به‌طور گسترده‌ای نشانه ضعف اتحادیه اروپا تلقی می‌شود و این دیدگاه تا حد زیادی درست است. کمیسیون مجبور بود به نمایندگی از ۲۷ کشور که مواضع متفاوتی در مورد نحوه پاسخگویی تهاجمی اروپا داشتند، مذاکره کند. در فرانسه، حمایت قابل توجهی از این ایده وجود داشت که ایستادگی در برابر یک قلدر اهمیت دارد. در مقابل، در آلمان، سیاست‌ها تحت تأثیر صنایع خودروسازی و ماشین‌آلات شکل می‌گرفت که به شدت به دنبال حفظ دسترسی به بازار آمریکا با شرایط بودند که حداقل به‌طور فاحشی بدتر از شرایط ژاپن، کره جنوبی و بریتانیا نباشد. این اختلافات، فضای مانور کمی برای کمیسیون باقی گذاشت.

اتحادیه اروپا همچنان برای تأمین تسلیحات به آمریکا وابسته است و برای حمایت از اوکراین به کمک واشنگتن نیاز دارد. اروپا این آسیب‌پذیری را درک کرده و به دنبال ایجاد ظرفیت‌های دفاعی و ژئوپلیتیکی خود به طور مستقل از آمریکاست، اما پیشرفت چشمگیر در این مسیر سال‌ها زمان خواهد برد. اروپا همچنین فاقد یک نقطه فشار مشابه کنترل چین بر پالایش عناصر خاکی کمیاب است؛ مزیتی که به دولت چین اجازه می‌دهد تا با قطع یک ورودی ضروری برای صنایع فناوری پیشرفته و مجموعه دفاعی آمریکا، به تلافی هدفمند تهدید کند.

تصمیمات سیاست تجاری ترامپ به وضوح ناشی از باوری غیرمنطقی به تعرفه‌ها - «زیباترین کلمه در فرهنگ لغت» به گفته او - و رضایت نامتعارفی است که او از تنبیه مخالفان و حتی متحدان، صرف‌نظر از هزینه‌های آن برای خود آمریکا، به دست می‌آورد. مذاکره‌کنندگان، نه‌فقط در اروپا، دلیل خوبی برای ترس از این داشتند که ترامپ، تلافی را با تلافی بیشتر پاسخ دهد که منجر به تشدید تنش و آسیب بیشتر می‌شود.

وجه اشتراک دیگر جنگ تجاری ترامپ و جنگ فالكلند تاچر، کارایی آن‌ها در منحرف کردن توجه از مشکلات داخلی بانیانشان است - در مورد تاچر، بحران بیکاری، و در مورد ترامپ، پرسش‌ها در مورد میزان ارتباطش با جفری اپستین، پدوفیل محکوم‌شده‌ای که در حین انتظار برای محاکمه به اتهام قاچاق جنسی فدرال، خود را حلق آویز کرد.

تاچر با کمک پیروزی خود در آتلانتیک جنوبی، هشت سال دیگر حکومت کرد. قانون اساسی آمریکا مانع از آن می‌شود که ترامپ تا سال ۲۰۲۳ به عنوان رئیس‌جمهور خدمت کند. یا دست‌کم، این طور به ما باورانده‌اند.



محمدحسین لطف‌الهی

خبرنگار بین‌الملل

برای هفت ماه، ایالات متحده از مجموعه‌ای از ابزارها شامل امتیاز دادن و تهدید کردن استفاده کرد تا مسکو بپذیرد به جنگ در اوکراین پایان دهد. در شرای که مسکو تمایلی به پایان جنگ در اوکراین ندارد، دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا امیدوار است تا با استفاده از ظرفیت دیپلماسی رو در رو، گشایشی در این زمینه ایجاد کند؛ موضوعی که احتمال تحقق آن با توجه به واقعیت‌های روی زمین اندک به نظر می‌رسد.

کاخ سفید هفته گذشته خبر داد که قرار است رؤسای جمهور آمریکا و روسیه روز جمعه ۱۵ آگوست در آلاسکا - منطقه‌ای که به امپراتوری روسیه تعلق داشت امادر سال ۱۸۶۷، زمانی که الکساندر دوم، تزار روسیه با مشکلات زیادی برای پرداخت هزینه‌های جنگ مواجه بود در ازای ۷/۲ میلیون دلار به ایالات متحده فروخته شد - دیدار کنند.

در کنار مجموعه‌ای از دلایل که مسکو را به ادامه جنگ ترغیب می‌کند، عدم حضور مقام‌های اوکراینی به عنوان یک طرف جنگ از جمله دلایلی است که باعث می‌شود امید زیادی به حصول توافقی که بتواند به جنگ میان روسیه و اوکراین پایان دهد، وجود نداشته باشد. با این حال، این دیدار، نشانه‌ای از تغییر سیاست واشنگتن در قبال مسکو و شکسته شدن دیوار انزولایی است که از فوریه ۲۰۲۲ و در پی حمله نظامی تمام‌عیار روسیه به اوکراین به‌دور کرملین کشیده شده بود.

۳ سال گذشته رهبران غربی از دیدار با ولادیمیر پوتین، رئیس‌جمهور روسیه که از سوی دیوان کیفری بین‌المللی به جنایت جنگی متهم شده بود، خودداری می‌کردند. به همین دلیل برخی تحلیلگران غربی معتقدند صرف برگزاری دیدار میان رؤسای جمهور آمریکا و روسیه یک «پیروزی دیپلماتیک» برای کرملین است. نیل مک‌فارکوهار، ستون‌نویس روزنامه نیویورک‌تایمز نوشته است: «غرب تلاش داشت یک درس عبرت از پوتین بسازد. حتی رهبران کشورهایی که رابطه نزدیک خود را با مسکو حفظ کرده بودند، دیدار با پوتین به حدی هزینه داشت که آن‌ها در بسیاری از موارد از دیدار با

۳ سال گذشته

رهبران غربی از دیدار با ولادیمیر پوتین، رئیس‌جمهور روسیه که از سوی دیوان کیفری بین‌المللی به جنایت جنگی متهم شده بود، خودداری می‌کردند. به همین دلیل برخی تحلیلگران غربی معتقدند صرف برگزاری دیدار میان رؤسای جمهور آمریکا و روسیه یک «پیروزی دیپلماتیک» برای کرملین است

رئیس‌جمهور روسیه سر باز می‌زدند، با این حال ترامپ با پوتین دیدار می‌کند و این یک پیروزی دیپلماتیک برای کرملین است.»

▼ **چرا دیدار پوتین و ترامپ در این زمان برگزار می‌شود؟**

بارگشت دونالد ترامپ به کاخ سفید در ژانویه ۲۰۲۵، نقطه آغاز تغییر سیاست رسمی ایالات‌متحده در قبال جنگ اوکراین بود. آمریکا که در دوره ریاست جمهوری بایدن از حمایت نظامی و اقتصادی از اوکراین «تا هر زمانی که جنگ به طول بینجامد» صحبت می‌کرد، در دوره ترامپ از همراهی با باقی کشورهای عضو گروه ۷ برای اعمال تحریم‌های بیشتر از روسیه خودداری کرد و اوکراین را تحت فشار قرار داد تا با عقب‌نشینی از خطوط قرمز خود، شرایط را برای پایان جنگ مهیا کند. در پی این فشارها اوکراین پذیرفت از تلاش نظامی برای بازپس‌گیری مناطقی که در حال حاضر تحت اشغال روسیه قرار دارد خودداری کند. همچنین کی‌یف حاضر شد در ازای دریافت تضمین معتبر پس از پایان جنگ از کوشش برای پیوستن به ناتو دست بردارد. اوکراین همچنین برای حفظ حمایت‌های آمریکا توافقی با ایالات متحده به امضا رساند که بر اساس آن تا سال‌ها شرکت‌های آمریکایی تنها بهره‌برداران بخش عمده‌ای از منابع معدنی کمیاب اوکراین خواهند بود.

به‌رغم این عقب‌نشینی‌ها، روسیه در گفت‌وگو با ایالات متحده و



درباره اوکراین، به

رهبران روسیه و آمریکا روز ج

بعد از آن گفت‌وگوهای مستقیم با اوکراین نه‌تنها آن‌ها را برای پایان جنگ کافی ندانست بلکه ضمن حفظ خواسته‌های حداکثری خود بر فشار حملات در میدان جنگ افزود تا اوکراین مجبور به پذیرش تمام و کمال شروط مسکو شود.

این وضعیت باعث شد تا دونالد ترامپ تا حدی در سیاست‌های خود تجدیدنظر کند و در پی استفاده از ابزارهای دیگری برای پایان جنگ بر آید. رئیس‌جمهور ایالات‌متحده روز ۱۵ جولای دو خبر مهم را درباره اوکراین اعلام کرد. او در دیدار با مارک روته، دبیرکل سازمان پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو) گفت که به روسیه تنها ۵۰ روز مهلت می‌دهد تا برای پایان دادن به جنگ، با اوکراین به توافق برسد و افزود که ایالات متحده با ارسال سامانه‌های دفاع هوایی پاتریوت به اوکراین به حمایت از کی‌یف خواهد پرداخت. ترامپ روز شششنبه ۲۹ جولای هم به روسیه هشدار داد که اگر تا ۸ آگوست نشانه‌ای از پیشرفت در گفت‌وگوهای صلح ظاهر نشود، ایالات متحده با اعمال تعرفه روسیه را تنبیه خواهد کرد. برای آمریکا روشن بود که ابزار تعرفه برای وارد آوردن فشار کافی بر مسکو کافی نیست و به همین منظور واشنگتن به خریداران نفت روسیه که از اصلی‌ترین منابع درآمد مسکو است هشدار داد که آن‌ها نیز مشمول تعرفه‌های تنبیهی خواهند شد. در همین راستا نیز روز پنجشنبه ۷ آگوست، یک روز مانده به پایان ضرب‌الاجل ترامپ به روسیه، آمریکا تعرفه‌های تنبیهی علیه هند، یکی از اصلی‌ترین مشتریان نفت روسیه را به ۵۰ درصد افزایش داد. ترامپ پس از دیدار اخیر استیو ویتسکاف، فرستاده ویژه رئیس‌جمهور آمریکا با پوتین امیدوار شده است که بتواند با استفاده از ظرفیت دیپلماسی شخصی، پوتین را قانع کند که در ازای تأمین برخی خواسته‌هایش به جنگ در اوکراین پایان دهد یا با عواقب شدیدی که عدم پایان جنگ برای روسیه در پی خواهد داشت، روبه‌رو شود.

▼ **خواسته روسیه از مذاکرات آلاسکا چیست؟**

باور روسیه این است که در میدان جنگ دست برتر را دارد و می‌تواند به ۱۰۰ درصد خواسته‌های خود از طریق نظامی دست پیدا کند. بر اساس ارزیابی گروه پرنده سیاه، یک گروه خصوصی که به بررسی داده‌های اطلاعاتی و امنیتی می‌پردازد، نیروهای نظامی روسیه در ماه جولای موفق شدند که ۵۰۲ کیلومتر مربع از خاک اوکراین را اشغال کنند. این میزان تقریباً مشابه پیشروی آن‌ها در ماه‌های ژوئن و مه است. دیپ استیت، یک گروه ناظر جنگ نیز که با وزارت دفاع اوکراین همکاری می‌کند، روز جمعه اعلام کرد که روس‌ها توانسته‌اند ۷ کیلومتر در منطقه‌ای نزدیک به شهر پوکروفسک که از سال گذشته در محاصره روسیه قرار داشت، پیشروی کنند.

این آمارها وضعیت خوب روسیه در جبهه نظامی را تأیید می‌کنند اما وضعیت برای روسیه در زمینه اقتصاد به این اندازه اطمینان‌بخش نیست. یانینس کلاگ، متخصص اقتصاد روسیه در اندیشکده آلمانی امنیت و روابط بین‌الملل در این باره می‌گوید: «اقتصاد روسیه از هر لحاظ ضعیف‌تر از سه سال قبل است. پوتین نگران است که خشم ترامپ باعث شود این وضعیت اقتصادی بدتر شود و از خشم ترامپ بیش از تحریم‌های حال حاضر نگران است.»

روسیه خواهان تبدیل شدن اوکراین به کشوری بی‌طرف است. تحقق این خواسته به معنای آن است که اوکراین نمی‌تواند عضو ناتو شود یا تضمین معتبر نظامی از ایالات متحده یا کشورهای اروپایی دریافت کند. همچنین مسکو می‌خواهد اوکراین کشوری خنثی از نظر نظامی باشد و توانایی‌های آفندی آن به‌طور قابل توجهی محدود شود تا تهدیدی علیه روسیه به حساب نیاید. سومین و مهم‌ترین خواسته روس‌ها، پذیرش این موضوع از سوی غرب است که روسیه شبه‌جزیره کریمه و چهار استان در شرق و جنوب اوکراین شامل دونتسک، لوهانسک، زاپروژیژیا و خرسون را به خاک خود الحاق کرده و این مناطق دیگر قابل بازگشت به اوکراین نیستند.

مسکودر ماه‌های اخیر در مذاکرات مستقیم با اوکراین که سه دور آن تاکنون در استانبول برگزار شده، تلاش کرده تا همه چیز به آرامی پیش برود و حاضر به مذاکره سریع برای پایان جنگ نیست. آن‌ها همچنین تاکنون خواسته اوکراین برای برگزاری گفت‌وگوهای رودررو و مستقیم بین سران دو کشور را رد کرده‌اند.

این وضعیت باعث شده تا احتمال استفاده روسیه از این نشست به عنوان یک فرصت دیگر برای خرید زمان و امیدوار کردن آمریکا به پایان جنگ بدون اقدامی عملی از سوی مسکو افزایش یابد. پوتین باور دارد روسیه به پشتوانه زرادخانه اتمی بی‌نظیر خود یک قدرت بزرگ است و معتقد است که قدرت‌های بزرگ باید حوزه نفوذ مشخصی داشته‌باشند.

به گفته تحلیلگران، نه موازنه قدرت در میدان نبرد از طریق ارائه کمک تسلیحاتی به اوکراین و نه فشارهای اقتصادی، رئیس‌جمهور روسیه را وادار به عقب‌نشینی از جاه‌طلبی‌های ارضی حداکثری خود یا پذیرش شرایط صلح نامطلوب از نگاه کرملین نمی‌کند. هدف پوتین از حضور در آلاسکا، حفظ کانال‌های ارتباطی ترامپ است تا مبادا سرخوردگی‌های رئیس‌جمهور آمریکا از مسکو، هزینه‌ای برای او در